

**همدلی** | به‌نظر می‌رسد اکنون مانند دو سه دهه قبل، دیگر نمی‌توان از زاویه دینی خط قاطعی میان ایرانیان کشید و آن‌ها را به متشرعان و غیر متشرعان تقسیم‌بندی کرد. رصد فضای فرهنگی ایران نشان می‌دهد فارغ از اینکه میان مردم پذیرش ادیان مختلف در قیاس با سه دهه قبل بیشتر به‌رسمیت‌شناخته‌می‌شود(برخلاف‌ساخت حکومت)، انواع و اقسام دینداری‌ها هم مشاهده می‌شود. چه بسیار آدم‌هایی که اکثر روزهای سال

هیچ اقدامی که دلالت مذهبی داشته باشد انجام نمی‌دهند، اما در روزهای خاصی برخی اعیاد را گرامی می‌دارند. از این دست مثال‌ها فراوان است: به‌طوری‌که حالا بسیاری از دین‌پژوهان نه از «دین» که از «تجربه دینی» سخن به میان می‌آورند و منظورشان این است که آدمی به‌جای تشرع به یک دین، گونه‌ای حس اتصال به جهان غیر مادی را تجربه‌می‌کند. حتی برخی از «معنویت‌سکولار» سخن به‌میان آورده‌اند(عرفان‌های نوظهور را

## متن در حاشیه

در زمره این نوع از معنویت به‌حساب آورده‌اند). ژاپنی‌ها از جمله ملت‌هایی هستند که این نوع دینداری در میانشان رواج دارد. کریستوفر گوانا (Christopher Kavanagh) پژوهشگر مقطع پسادکترای انسان‌شناسی شناختی در دانشگاه آکسفورد در مقاله‌ای در نشریه ایان (aeon) به توضیح این نوع دینداری ژاپنی‌ها می‌پردازد و می‌نویسد: «برای یک ژاپنی کاملا عادی است که به‌عنوان نوجوان به زیارت‌گاه شینتویی برده و

# دین‌داری بدون باور

بیشتر ژاپنی‌ها اعتقادات دینی را نمی‌پذیرند، اما از انجام مناسک دینی استقبال می‌کنند. چرا؟



صدای ندان‌هایشان نباید. پس از اندکی صبر، چهار جوان از پله‌های سنگی زیارت‌گاه پایین می‌آیند و روی سکویی از حصیر بالا می‌روند. هر کدامشان به جماعت نگاه می‌کنند، زانو می‌زنند و ارشد گروه آب بخیزده را روی پشت برهنه‌شان می‌ریزد.

این فرایند سه‌ بار تکرار می‌شود، و در دور پایانی آب را به‌ارامی روی سرشان می‌ریزند. پس از اتمام این کار، آن‌ها دوباره به ساختمان زیارت‌گاه می‌روند، درحالی‌که پخل از پشت سرخ‌شده‌شان برمی‌خیزد. اما این پایان کار نیست؛ آن‌ها دو ساعت بعد، برمی‌گردند تا کل این آزمون سخت را تکرار کنند و این الگو را هر چند ساعت یک بار به مدت دو روز انجام می‌دهند. همچنین، هر یک از انجام‌دهندگان سوگند خورده است این آیین دوزوره را برای چهار سال متوالی انجام دهد، عهده‌ی که در عمر ۱۵۰ ساله این رویداد کسی آن را نشکسته است.

این شاهکار ایستادگی بخشی از یک مناسک تطهیر با آب شینتویی موسوم به «میزوگی» است و آیین محوریین یک عید محلی عامیانه‌در کیوکوای محسوب می‌شود. این رویداد خاص به‌خاطر سخت‌گیری آیین مناسکی آن نامتعارف است، اما در اکثر جوانب دیگر کاملا شبیه دیگر جشن‌هایی

موسوم به ماتسوری است که در سراسر ژاپن دیده می‌شود. ممکن است ماتسوری‌های مشهور شهرهای بزرگ میلیون‌ها تماشاگر داشته باشد. این مراسم‌های محلی از مهم‌ترین رویدادهای جمعی سالانه در روستاهای دوردست است.

❖ **ماتسوری: رویداد فرهنگی با دینی؟**

این ماتسوری‌ها صرفا رویدادهایی جمعی و فرهنگی هستند یا مشخصا دینی به شمار می‌آیند؟ چنین تفسیری مبتنی بر ایجاد مرزی مصنوعی بین فرهنگ و دین است، و نیز بسیاری از واقعیت‌های ناسازگار را نادیده می‌گیرد. بیشتر ماتسوری‌هایی که در زیارت‌گاه و معابد انجام می‌شوند را دین‌یاران و داوطلبان عضو انجام می‌دهند. ماتسوری‌ها شامل نمادگرایی دینی و نیایش‌هایی مخلصانه می‌شوند و بر مفاهیمی الاهیاتی یا متافیزیکی نظیر تطهیر استوارند. در ژاپن مناسک کاملا سکولار نیز وجود دارد، نظیر مراسم رقص یوساکوی سورآن که در آن تیم‌های حاضر با اجرای رقص‌های ماسوری شده باهم مسابقه می‌دهند و این امر دینی‌بودن میزوگی ماتسوری و مراسم مشابه با آن‌ها را برجسته‌تر می‌کند. بنابراین، اگر چنین مناسک شدیدا دینی‌ای بخشی از بافت فرهنگی ژاپن باشد، به چه معنا می‌توان مدعی شد که ژاپن کشوری غیردینی است؟

آیین شینتو (دینی بومی) مبتنی بر الوهیت‌ها و ارواحی موسوم به کلمسی) و آیین بودا (که حدود ۱۵۰۰ سال پیش از کره و چین به ژاپن آمد) دو سنت دینی غالب ژاپن‌اند. هر دو سنت مذکور ماتسوری دارند، چرا که بیشتر آیین‌ها با زیارت‌گاه و معابدی خاص عجین شده‌اند و زمانشان با اعیاد دینی، جشن‌های سالان نو، همهانگ شده است، نیاکان) و شوگاتسو (جشن‌های سالان نو)، همهانگ شده است. باوجوداین، این سخن درستی است که تعداد کمی از شرکت‌کنندگان ماتسوری به‌جزیات اعتقادی این مراسم، از جمله الوهیت‌های خاصی که یک رویداد بدو اختصاص دارد، آگاهند. با وجود عمومیت مناسک دینی و فراوانی زیارت‌گاه‌های شینتویی و معابد بودایی در سراسر ژاپن، آیا همچنان درست است که بگوییم ژاپن کشور سکولاری است که علایق دینی ناچیزی دارد؟

ظاهرا پیمایش‌های بزرگ‌مقیاس بینافرهنگی موبد این دیدگاه هستند. برای مثال، در بازه ۲۰۱۰ - ۲۰۱۴ که پیمایش «ارزش‌های جهانی» در ۶۱ کشور انجام شد، ۸۷.۱ درصد پاسخ‌دهندگان ژاپنی گفتند که «عضو» کلیسا یا سازمانی دینی «نیستند»، و تنها ۲۰.۹ درصد از آن‌ها، جدای از حضورشان در تشریفات دینی، خود را «دیندار» معرفی کردند. نتایج این پیمایش‌ها نشان داد که ژاپن پس از چین و هنگ‌کنگ دومین کشور بی‌دین‌دنیاست.

نتیجه این پیمایش نتیجه‌ای استثنایی نیست. الگوهایی مشابه در دیگر پیمایش‌ها نیز تکرار شده است. برای مثال، پیمایش پایان سال

وین گالوپ در ۲۰۱۴ نشان داد که تنها ۱۳ درصد پاسخ‌دهندگان ژاپنی خود را دین‌دار می‌دانستند، و پیمایش آنلاینی که پارسل بین ۱۱۸۰۰۰ درصد پاسخ‌دهنده ژاپنی انجام داد نیز نشان داد که فقط ۱۰ درصد از آن‌ها خود را دین‌دار می‌دانستند. ظاهرا نتیجه‌گیری‌های مذکور تاییدی محکم بر این دعوی است که ژاپن کشوری غیردینی است. باوجوداین، واقعیت پیچیده‌تر از این است.

❖ **تلفیق دین‌ها**

برخلاف ارقامی که اکنون گفته شد، تازه‌ترین آمار رسمی «سالنامه آمار» حکومت ژاپن نشان می‌دهد که تعداد «سازمان‌های دینی» ثبت‌شده در ژاپن بسیار زیاد است؛ از جمله ۸۱۰۹۷ زیارت‌گاه شینتویی و ۷۵۹۲۲ معبد بودایی. همچنین، این ارقام نشان می‌دهند که تقریبا ۷۲ درصد جمعیت ژاپن از پیروان آیین شینتو هستند و ۶۸ درصد از آن‌ها پیروان آیین بودا، گرچه مجموع این دو رقم از ۱۰۰ درصد بالاتر می‌شود، این رقم اشتباه محاسباتی نیست. ارقام نشان می‌دهند که هر دو دین را دارند؛ گاهی شینتویی هستند و گاهی بودایی. ژاپنی‌ها بسیار التقاطی‌اند و عناصر هر یک از این سنت‌ها را با یکدیگر ترکیب و تلفیق می‌کنند.

ایان ریدر، جامعه‌شناس و استاد بازنشسته دانشگاه منچستر، چند دهه درباره دین در ژاپن پژوهش کرده است. به گفته او، هم‌زیستی بلندمدت آیین شینتو و آیین بودا به نوعی «تقسیم کار» مکمل در میان این سنت‌های دینی انجامیده است. در آغاز زندگی و جشن فصلی، جشن‌های شینتویی بسیار رایج است. دفعه‌ه نخستین آیین بودا مرگ و شاعران نیاکان است. در این میان، مسیحیت که در ژاپن تنها یک تا دو درصد پیرو دارد، با مراسم ازدواج عجین شده است. در نتیجه، برای یک ژاپنی کاملا عادی است که به‌عنوان نوجوان به زیارت‌گاه شینتویی برده و در آنجا برایش دعای خیر کنند، ولی بعد مطابق تشریفات مسیحی ازدواج کند و نهایتا مراسم خاکسپاری او بودایی باشد. در ژاپن کثرت‌گرایی دینی تحمل نمی‌شود، بلکه مشخصه‌ای بنیادین از محیط دینی آنجاست.

❖ **چگونه دینی از دین‌ها بوجود می‌آید؟**

چگونه می‌توان موقعیت به‌ظاهر متناقض جامعه‌ای را فهمید که اعتراف می‌کند غیردینی است و هم‌زمان ظاهرا حامی و وفور نهادهایی دینی است که هر سال هزارا ماتسوری را جشن می‌گیرد؟ چگونه مشارکت من زنان توگیو را مجذوب کرده است. اختلاف بین اعمال دینی رایج در ژاپن و دیدگاه‌های باورمحور درباره دین وقتی دوباره تایید شد که یکی از اساتید برجسته روان‌شناسی ایالات متحده که به طور گسترز از محل کارم بازدید می‌کرد، هم‌زیستی خانگی محراب‌های بودایی و شینتویی را مشاهده کرد. در ژاپن، بیشتر خانواده‌های سنتی در منزل محرابی بودایی برای بزرگداشت بستگان مرده (بوتسودان) و محرابی شینتویی موسوم به تاقچه خدا (کامی دانا) برای کسب برکت دارند. این عمل کثرت‌گرایانه برای ژاپنی‌ها معمولا امری عادی تلقی می‌شود، اما شاید تعجب پیروان ادیانی که پس‌زمینه‌هایی انحصارگرایانه‌تر دارند را برانگیزد. وقتی این استاد آمریکایی با این کار آشنا شد، به همکاری ژاپنی رو کرد و پرسید که آیا او نیز در خانه خود دو محراب دارد؟ او پاسخ داد: در خانه خانوادگی‌اش، بله. این استاد با تعجب پرسید به کدام یک از آن‌ها واقعا باور دارد یا اصلا باور دارد؟ همکار ژاپنی‌ام سردرگم شد و گفت: «هیچ‌کدام». و بعد توضیح داد: «... با شاید هر دو». او گفت تاکنون واقعا در این‌باره چندان فکر نکرده‌است که آیا به محراب‌ها اعتقاد دارد یا نه.

❖ **رجحان عمل بر باور در محیط دینی ژاپن**

در محیط دینی ژاپن، عمل یسر باور رجحان دارد. این نظر با دیدگاه‌هایی درباره ژاپنی‌ها سازگار است که در کتاب دینی در «مقام عمل» نوشته ریدر و جورج تانابه اظهار می‌شود؛ تانابه از پژوهشگران برجسته دین ژاپنی است. تز محوری آن‌ها این است که دین ژاپنی اساسا درباره تایید باورها یا سنت‌هایی خاص جهت نیل به رستگاری در حیات بعدی نیست، بلکه بر محور کسب فوایدی عملی در این جهان (گتزه ریاکو) از طریق اجرای فعالیت‌هایی مختلف است، نظیر بازدید از زیارت‌گاه‌ها و معابد، خریدن طلسم‌ها و افسون‌ها و خواندن اذعان

در آنجا برایش دعای خیر کنند، ولی بعد مطابق تشریفات مسیحی ازدواج کند و نهایتا مراسم خاکسپاری او بودایی باشد. در ژاپن کثرت‌گرایی دینی تحمل نمی‌شود، بلکه مشخصه‌ای بنیادین از محیط دینی آنجاست.» این مقاله با ترجمه میلاد اعظمی‌مرام در وب‌سایت ترجمان منتشر شده است که با هم می‌خوانیم. لازم به‌ذکر است برای آسانتر شدن خوانش متن، میان تیتراها بوسیله «همدلی» اضافه‌شده‌است.

اعمالی که ادعا می‌شود شفا می‌دهند، شانس یا دیگر خبرها را با خود می‌آورند، تقریبا در تمام نظام‌های دینی رایج‌اند، اما ریدر و تانابه معتقدند که در ژاپن این اعمال صرفا جوانب فرعی دین نیستند، بلکه «در کانون جهان دینی ژاپنی قرار دارند»؛ این اعمال بیابگر «دین مشترک ژاپن» هستند. این تشریفات دنیایی به لحاظ اعتقادی و نهادی نیز تایید می‌شوند، با معابد و زیارت‌گاه‌هایی که تبلیغاتشان مبتنی بر فواید مختلفی است که اعمال می‌توانند ایجاد کنند. معابد و زیارت‌گاه‌هایی وجود دارند که تقریبا تمام امیال قابل‌تصور را ارضا می‌کنند، از جمله بهبود موفقیت در مساعی عاطفی، گذراندن امتحان‌ها و اهداف ملال‌آور تری نظیر شغای بواسیر یا حفظ بهداشت دهانی خوب.

این امر ممکن است گاه باعث تنش شود، وقتی اعمال دنیایی رایج با پیام‌های اعتقادی رسمی مبتنی بر انکار دنیا متضاد به نظر می‌رسند، اما با چنین ابهامی وسعا مدلاز می‌شود. برای نمونه، رواج اخیر ازدواج در میان دین‌یاران شینتویی و بودایی در ژاپن را در نظر بگیرید. برخلاف این تصور رایج غربی که دین ژاپنی دین راهبان زاهدی است که در کوهستان‌ها در حال مراقبه‌اند، تالارهای مراقبه در بیشتر معابد و زیارت‌گاه دیده نمی‌شود. در عوض، دین‌یاران مشغول تدارک تشریفات دینی مختلف جهت کسب دستمزد هستند. به‌علاوه، ماهیت بالقوه برمنفعت مراسم خاکسپاری بودایی باعث ایجاد این ظن کلی در ژاپن شده است که بسیاری از دین‌یاران بودایی بیش از اندازه دلمشغول ثروت‌اندوزی شخصی شده‌اند.

❖ **آیا اصطلاح «دین» را باید کنار گذاشت؟**

البته، ترکیب دفعه‌های دنیایی با دین مختص ژاپن نیست. اما بحث مذکور چندین تفاوت روشن بین دین در ژاپن و مناسبات نوعی برگرفته از سنت‌های توحیدی غربی را نشان می‌دهد. آیا آنچه در ژاپن هست را می‌توان باسه واژه دین توصیف کرد؟ بله می‌توان، اما با یک شرط مهم: برای اینکه مفهوم دین مقوله بینافرهنگی مفیدی بماند، باید آن را از پیش‌فرض‌های سنت‌های ابراهیمی جدا کرد و فهمید، تا به گستره مفاهیم و سنت‌هایی اشاره داشته باشد که حول باورهایی فراطبیعی و اعمالی نظیر مناسک و مراسم می‌گردد.

برخی با این دیدگاه مخالفانند، نظیر جیسون آندا جوزفسون محقق مطالعات دینی در ویلیامز کالج در ماساچوست که با ایمیل برایم توضیح داد: «واژه کدین» فارغ از ظاهر آن، اساسا اصطلاحی اروپامحور است با این کارکرد همیشگی که شباهتی مفروض با مسیحیت اروپایی را شرح دهد». جوزفسون این چشم‌انداز را در کتاب مشهور اختراع دین در ژاپن مفصلا توضیح می‌دهد؛ ایسن کتاب به‌تفصیل به مذاکرات مختلف و منازعات سیاسی مرتبط با تصمیم‌گیری در باب ماهیت دین در ژاپن عصر میزومی می‌پردازد. او تاکید دارد که ترجمه امروزی «دین» به زبان ژاپنی لاشوکیو- در عصر میجی وضع شده است و «ماهیت اموری که ذیلش هستند و اموری که خارج از دلالت‌های

**باید به تمایل محققان اروپایی و آمریکای شمالی به پیوند دین با قبول باورهای اعتراقی، مشارکت مستمر در تشریفات دینی، نهادهای سلسله‌مراتبی و عضویت انحصاری اشاره نمود. همه این موارد مشخصات سنت‌های ابراهیمی هستند، و هیچ یک از آن‌ها ذاتی باور و عمل دینی در سراسر جهان به شمار نمی‌روند**

عضویت آدر یک دین آ قرار دارند را تغییر می‌دهد». او نیز نشان می‌دهد که مشکل بزرگش با اصطلاح «دین» این است که «این اصطلاح معانی ناسازگار بسیاری در خود دارد».

وقتی این نکات را در بحثی با ایان ریدر مطرح کردم، گفت گرچه اثر جوزفسون را تحسین می‌کند، قویا با این نظر او مخالف است که باید «در قرن بیست‌ویکم اصطلاحی که، به‌خاطر منشا احتمالی آن در اواسط قرن نوزدهم، یک مجموعه معانی را در آن بستتر بسط داده است، کنار بگذاریم». همچنین، ریدر توضیح داد که در ژاپن «سنت فکری و سیاسی‌ای وجود دارد که برای مفهوم کدین» شان یک مؤلفه را قائل می‌شود. و همین مسئله به‌روشنی نشان می‌دهد که این مفهوم ساختاری غربی نیست که نبره‌هایی استعمارگر آن را مستبدانه تحمیل کرده‌اند». همچنین، ریدر گفت گرچه ممکن است این اصطلاح مبهم باشد، هنوز معتقد است این مفهوم می‌تواند «چارچوبی معتبر برای بحث و تفسیر محققان باشد و آن‌ها را قادر می‌سازد... با محققانی وارد گفت‌وگو شوند که در دیگر جاها در باب موضوعات مشابهی مطالعه می‌کنند.» این نکات با تجارب من به‌عنوان انسان‌شناسی شناختی که بر روی پروژه‌های بزرگ میان‌رشته‌ای و بینافرهنگی کار می‌کنم، سازگار است. این پروژه‌ها تنها زمانی ممکن خواهند بود که از مجموعه اصطلاحات مشترک کی، شامل تعریفی از دین با درجات معنایی مختلفه استفاده کنیم.

دین مقوله‌ای از فعالیت‌هایی بشری نیست که همیشه و همه‌جا تمایز روشنی با دیگر ساخت‌های حیات بشری داشته باشد. این گفته نیز درست است که آنچه «دین» می‌خوانیم، در مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت خواهد بود. اما این واقعیت باعث نمی‌شود که اصطلاح دین انسجام معنایی نداشته باشد، با چنین نیست که باید معنای مدرن این اصطلاح را به معانی گذشته الحاق کرد.

نظریه‌های کلان گذشته ناکام ماندند، زیرا دین را پدیده‌ای یکپارچه می‌دانستند که در گذر زمان به طور خطی پیشرفت می‌کند. لازم نیست که رویکردهای مدرن این فرضیات را تایید کنند. در عوض، مثلا در تعاریفی از دین که اخیرا در حوزه علم شناختی دین مقبول شده است، می‌توان گفت دین به یک چیز واحد اشاره ندارد، بلکه معطوف به خانواده‌ای از مفاهیم مرتبط است که برای شناسایی یک حوزه پژوهشی معننادر و مشخص استفاده می‌شود. اگر قرار است اصطلاح دین را به‌خاطر ایهام ذاتی آن کنار بگذاریم، باید دیگر اصطلاحات را نیز به همین دلیل کنار نهاد، نظیر اصطلاح سیاست یا پادشاهی. سراجانم، باید از این جزئیات دانشگاهی فاصله گرفت و به این بازشگش که با استفاده از ابزارهای تحلیلی ذاتا تکامل خود چه چیزهایی در جهان را می‌توانیم بفهمیم.